جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

پایان آقای قاضی؛ آغاز اندیشه‌ای نو در آثار نمایشی تلویزیون

مجموعه تلویزیونی «آقای قاضی» که در شب‌های تابستان و پائیز شاهد پخش آن از شبکه دو سیما بودیم به پایان رسید. تقریبا هرآنچه مخاطبان و بیننده‌های تلویزیون می‌بایست از موضوعات دادگاه، آئین دادرسی، جایگاه متهم و شاکی، بزهکاران، موارد خلاف در جامعه، زیرپاگذاشتن حقوق دیگران، تجاوز به حقوق مردم، پایمال کردن حق و حقوق دیگران و دیگر مسائل قضایی آگاه شوند توسط این مجموعه در قاب تلویزیون به نمایش درآمد. اگرچه کاستی‌ها و نقص‌هایی هم در بخش‌هایی از این سریال دیده شد اما به جهت اینکه نخستین کار تلویزیونی درخصوص مسائل حقوقی، قضایی و دادگاه‌ها بود با موفقیت همراه شد. عوامل تولیدکننده این اثر به‌خوبی توانستند واقعیت‌های پرونده‌های قضایی و دادگاهی را به فیلمنامه تبدیل کنند. «بهزاد خلج» ایفاگر نقش «آقای قاضی» هم انصافا توانست در این نقش به زیبایی ظاهر شود. در حقیقت این سریال ناگفته‌هایی از خصوصیات اخلاقی و زندگی شخصی یک قاضی راهم رونمایی کرد و نشان داد که فرد قاضی هم مثل همه انسان‌ها زندگی و دغدغه‌هایی دارد که جدای از دیگر افراد جامعه نیست. در سکانس‌هایی از این سریال دیدیم که قاضی در برخورد با متهم و شاکی به مسائل شخصی خودش هم اشاره می‌کند و همین صحنه‌ها و سکانس‌ها برجذابیت سریال «آقای قاضی» افزود.

سجاد مهرگان کارگردان این مجموعه تلویزیونی نشان داد که قاضی‌ها هم مثل ما مردم، مشکلات و دغدغه‌هایی دارند. همان‌طور که در پایان این مجموعه شاهد سکانسی هستیم که آقای قاضی با همه وابستگی‌هایی که به کار و وظیفه‌اش دارد، مجبور می‌شود برای انجام بخشی از کارهای شخصی و خانوادگی‌اش به مرخصی برود و اگرچه این جدا شدن از محل کار برایش سخت است و نگاهش در صحنه‌ای که هنگام خداحافظی به فضای دادگاه دارد چهره غمگینی را از او ترسیم می‌کند، اما همین سکانس پایانی خود نشان دهنده این قصه است که او هم مثل سایر انسان‌ها نیاز به استراحت و مرخصی دارد و از طرفی هم دغدغه‌ها و مشکلاتی در زندگی شخصی دارد که بایستی برای رفع آن تلاش کند. بنابراین می‌توان گفت که عوامل تولید این مجموعه در کنار تولید یک اثر مهم در موضوع قضایی و موارد حقوقی جامعه به‌خوبی توانستند زاویه نگاه دوربین را به‌سمت زندگی شخصی یک قاضی نشانه بروند و به‌گونه‌ای به این موضوع بپردازند که به اصل داستان این مجموعه لطمه‌ای وارد نشود.

شاید خیلی از افراد جامعه با مسائل حقوقی و قضایی آشنایی ندارند و بیشتر آدم‌ها شاید برای اولین بار هم پای شان به فضای دادگاه و مکان‌های دادگاهی باز نشده باشد؛ همواره خیلی از آدم‌ها دوست ندارند در دادگاه حضور داشته باشند چراکه این امر را نمی‌پسندند و دلیلی هم نمی‌بینند که در فضای خشن دادگاه که مختص شاکی و متهم هست یک لحظه حاضر شوند و این رسانه است که می‌بایست با درام که زبانی فراگیرتر و جذاب‌تر است مسائل قضایی، حقوقی، دادگاهی و موارد تخلفات و افراد متخلف و در مواردی موضوع بی‌گناهی و

تبرئه و نیز مسائل دیگر قضایی را روایت کند. سریال «آقای قاضی» به‌خوبی و موشکافانه توانست ریز و درشت قصه‌های آدم‌ها را در قاب تلویزیون به تصویر بکشد و همان‌طورکه همه از شبکه دو سیما دیدیم این سریال در زمان پخشش مخاطبان زیادی داشت و توانست قشرهای مختلف مردم را پای تلویزیون بنشاند که می‌توان اذعان کرد که جای چنین سریالی در تلویزیون خالی بود. ماه‌ها تحقیق و بررسی پرونده‌های دادگاه‌ها، حضور «بهزاد خلج» به عنوان شخصیت اصلی داستان در محل دادگاه، بازخوانی پرونده‌های جرم، بزهکاری و خلاف‌های شکل گرفته در جامعه، ارتباط با وکلای دادگستری، قضات، کارشناسان و مدیران قوه قضائیه از جمله کارها و مواردی بود که موجب شد فیلمنامه بسیار خوبی تهیه شود و «سجاد مهرگان» کارگردان این سریال هم با دقت و وسواس فراوان دست به تولید چنین اثری زد که به‌نظر می‌آید بازخورد موفقی در بین مردم و صاحب‌نظران حقوقی و قضایی داشته است.

برای تولید سریال «آقای قاضی» که در پنجشنبه و جمعه شب‌های تابستان و پائیز امسال شاهد پخش آن از شبکه دو رسانه ملی بودیم، از میان ۱۱۵ پرونده واقعی، ۸۴ پرونده واقعی به فیلمنامه تبدیل و در ۴۲ قسمت روایت شد و در واقع سعی شد که از درام‌نویسی دادگاهی کمک گرفته شود چراکه سوژه اصلی توسط قاضی اداره می‌شود.

تولید چنین مجموعه‌هایی که در ژانر حقوقی و قضایی باشد مطالبه مردم از رسانه ملی است چراکه می‌تواند میزان آگاهی و اطلاعات قضایی، حقوقی و دادگاهی اقشار مختلف مردم را افزایش دهد. لذا مدیران و مسئولان سازمان صداوسیما به‌ویژه مدیران شبکه‌های تلویزیونی رسانه ملی بایستی بیش ازپیش به این نوع سوژه‌ها و موضوعات توجه داشته باشند و در جهت تولید چنین آثاری تلاش کنند.

رسول شمالی ورزنده

نگاهی به فیلم «بزرگان در اتاق»

بزرگ‌ترها پشت درهای بسته

محمّدصادق رحیمی

شاهد تلاش بسیاری از کشورها در سراسر دنیا هستیم که سعی دارند با استفاده از همه ابزارهایی که در دست دارند خود را به عضویت نهادها یا سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای در بیاورند. در حقیقت دولت‌ها حضور خود در پیمان‌ها یا رژیم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را موفقیتی قابل‌توجه می‌دانند و برای همنشینی با بزرگان بر سر یک میز، هر کاری که بتوانند انجام می‌دهند. این پدیده اصلاً نادر یا کمیاب نیست و به یک منطقه هم منحصر نمی‌شود، بلکه بسیار شایع است و در سراسر دنیا از آفریقا تا اروپا در جریان است. این تلاش‌ها همگی برای پیوند زدن اقتصاد داخلی به اقتصاد جهانی است که نقطه مقابل جریان ناسیونالیسم اقتصادی و سیاست‌های حمایت‌گرایی دولت‌ها به شمار می‌رود. آنچه در فیلم «بزرگان در اتاق» نمایش داده می‌شود، وضعیت و سرنوشت کشوری است که خود را بی‌قیدوبند در اختیار نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی قرار می‌دهد و برای بقا در این نهادها حاضر به پذیرش رژیم‌های اقتصادی سختگیرانه و پرفشار می‌شود.

فیلم «بزرگان در اتاق» در واقع روایت گر وقایع پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و فروپاشی اقتصادی کشور یونان است. در سال ۲۰۱۵ پس از روی کار آمدن دولت چپ‌گرای آلکسیس سیپراس در یونان، مذاکرات مجددی برای کاهش برنامه‌های سیاست ریاضت اقتصادی بین دولت تازه‌نفس و مردمی و تروئیکای اروپایی (کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول) شکل می‌گیرد. در این مذاکرات مسئول تیم مذاکراتی یونان یانیس واروفاکیس وزیر دارایی یونان است که با آنکه در انگلستان تحصیل‌کرده است؛ ولی با سبک و روشی کاملاً ضدسرمایه‌داری شناخته و نمایش داده می‌شود. در طی رفت‌وبرگشت‌های مداوم و طولانی مذاکرات، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و در نهایت وزیر دارایی استعفا می‌دهد و عنوان می‌کند برای آنکه دولت و مردم بتوانند به یک توافق پایدار با تروئیکا برسد چنین تصمیمی می‌گیرد. سپس ضمن برگزاری همه‌پرسی توافق‌نامه با تروئیکا امضا شده و سیاست‌های ریاضتی جدید ادامه پیدا کنند.

آنچه در این فیلم بسیار پررنگ است و کارگردان نیز به‌خوبی به دنبال به‌تصویرکشیدن آن بوده است، پشت پرده و قسمت‌های ناپیدای سیاست‌ورزی است. نه‌تنها تروئیکا و اعضای اتحادیه اروپا بلکه حتی دولت چپ‌گرا و مردمی یونان نیز کمتر موضوعی را به‌صراحت با مردم بیان می‌کند. این پشت پرده‌های پیچیده و متنوع در تعامل میان همه بازیگران ملی و فراملی میدان سیاست به تصویر کشیده می‌شود و در نهایت واژه‌های بزرگ و مقدس برای مردم با تعاریفی جدید که به ابتذال کشیده شده‌اند ارائه می‌گردد. در واقع در سراسر

روایت شاهد نادیده‌انگاری و خیانت نسبت به مردم هستیم. به تعبیر دیگر در بازی قدرت و ثروت، مردم باید پشت درب حقیقت بایستند و تنها بیننده واقعیت باشند.

نکته قابل‌تأمل دیگر که به‌وضوح در سراسر فیلم قابل‌مشاهده است، غیرقابل‌اعتماد بودن کشورهای مختلف حاضر در مذاکرات از فرانسه همیشه دوست گرفته تا انگلستان بدطینت و آلمان زورگو است. در واقع نمایندگان این کشورها بارها و بارها دو رویی، ریاکاری، تطمیع و تهدید را به نمایش می‌گذارند و سعی در تحمیل سیاست‌های غیرمنطقی خود به تیم مذاکره‌کننده یونانی دارد. ادبیات تند، بی‌پروا و درعین‌حال سلطه‌جویانه تروئیکا بسیار قابل‌توجه است.

اما آنچه در این میان تأسف عمیقی را رقم می‌زند، تحقیر روحیه ملی یونان و غرور ملی آنان است. به تعبیر دیگر مهم‌ترین انتظار مردم از دولت جدید احیای غرور و عزت ملی ازدست‌رفته است که متأسفانه پس از بن‌بست نسبی مذاکرات با استعفای واروفاکیس به‌عنوان وزیر دارایی به نتیجه نمی‌رسد. می‌توان گفت ناسیونالیسم سیاسی و اقتصادی که همراه با شعارهای سوسیالیستی موفق به پیروزی در انتخابات شده بود، توانایی لازم را برای مقابله با فشارهای نهادهای خارجی و نخبگان مخالف داخلی نداشت و در نهایت امید یونانی‌ها را برای احیای استقلال و غرور ملی به آرزوهای ازدست‌رفته یک ملت تبدیل کرد.

آنچه در نهایت علی‌رغم روایتگری خوب به آن پرداخته نمی‌شود و مغفول می‌ماند، ریشه همه این آشفتگی‌ها و درگیری‌ها است. رویدادهای فیلم مربوط به سال ۲۰۱۵ یعنی حدود ۷ سال بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و پیامدهای آن برای یونان یعنی وام‌های کلان از صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا در قبال پذیرش اجرای سیاست ریاضت اقتصادی است. این در حالی است که شروع بحران مالی ۲۰۰۸ در آمریکا بود و سپس به دلیل وابستگی اقتصاد جهانی خیلی سریع بحران به اروپا و دیگر نقاط جهان می‌رسد. در اروپا بحران توسط قدرت‌های اقتصادی بزرگ‌تر اروپا به‌سختی کنترل می‌شود؛ ولی بلندترین موج بحران را به سمت یونان هدایت می‌کنند. در حقیقت آنچه در ۲۰۱۵ و پس از آن یونان تجربه می‌کند نتیجه گره‌زدن اقتصاد ملی خود به بازار و تجارت جهانی و پذیرش قواعد این بستر اقتصادی بین‌المللی است. حالا در پایان داستان مقصران اصلی وضعیت بحرانی موجود، در ظاهر مدعیان نجات و در واقع طلبکاران بدهی‌های خود هستند.

نگاهی به فیلم «قرون وسطایی»

رجوع به قرون وسطی برای فراموشی شکست‌ها

فاطمه قاسم‌آبادی

قدرت نامشروع اروپایی‌ها، دقیقا مدتی بعد از قرون وسطی و با سفر مردم این کشورها به دیگر نقاط جهان، ابتدا به بهانه تجارت و بعد به دلیل استعمار همان کشورها، شروع شد.

البته که بعد از حدود دو قرن سلطه، این قدرت‌ها، هم کم کم توسط کشورهای زیر سلطه، عقب رانده شدند و دستشان از منابع و ثروت‌های این کشورها قطع شد و حالا می‌توان گفت که کشورهای آزاد شده با تمام توان، در مقابل سلطه فرهنگی این غربی‌ها در حال مبارزه هستند تا ته مانده استعمار را هم از زندگی خود عقب بزنند. شاید بارزترین نمونه این نفرت از استعمارگر سابق، در هفته‌های اخیر و در کشور الجزایر نمود داشته است که در نهایت بعد از گذشتن سال‌های زیاد از بیرون کردن فرانسوی‌های استعمارگر، حالا زبان فرانسه را هم مانند صاحبانش، از درس دانش‌آموزان و مکاتبات بین‌المللی و حتی اسکناس‌های خود، بیرون کردند. این نفرت از استعمارگران سابق مانند موج در دنیا روز بروز بیشتر می‌شود تا جایی که مخاطبین می‌بینند کشور هند، مدام در فیلم‌های به‌روز و مدرنش، از انگلستان و جنایت‌هایش می‌گوید و کره جنوبی از ظلم‌های ژاپن و....

هر چند که خط قرمز همه این کشورها استعمارگر جدید یا همان آمریکاست و به هیچ وجه در تولیدات خود اسمی از این کشور و استعمار پنهانش نمی‌برند ولی شروع این اعتراض به استعمارگران قدیمی، که از چندین سال قبل آغاز شده و ادامه دارد، باعث امیدواری است و کم‌کم می‌تواند روی غرور ملی مردم کشورها تاثیر بگذارد و آنها را به فکر بیندازد که چگونه می‌توانند با استعمار فرهنگی مبارزه کنند و زیر بار هیچ مدل استعماری نروند. در این میان کاملا طبیعی است که اروپای امروز، با توجه به کمبود انرژی و... که به خاطر عدم دسترسی به منابع قدیمش و پیروی از دستورات آمریکا، دچارش شده است، حالا برای قهرمان سازی و گفتن و ساختن فیلم و سریال از گذشته به قول خودشان پر افتخارشان، تقلا کند.

شاید این تلاش‌ها جزو آخرین تیرهایی است که غربی‌ها سعی دارند برای حفظ غرور گذشته، در مردم‌شان استفاده کنند و با این یادآوری‌ها، وضعیت سخت و طاقت فرسای فعلی را برای مردم، قابل پذیرش‌تر کنند و البته که در کنارش به همان مردم یادآوری کنند که حالا و با وجود تمام سختی‌ها، حداقل دیگر بندهای مذهبی گذشته و سلطه ناجوانمردانه کلیسا را نداریم....

فیلم «قرون وسطایی» ساخته «پِتر جَکل» محصول سال ۲۰۲۲ جمهوری چک است. این فیلم در مورد قهرمان قدیمی چک «یان ژیژکا» و مبارزات ارتشش علیه ظلم پادشاهان و کلیسای کاتولیک است.

داستان سفر به روم

داستان فیلم «قرون وسطایی»، در مورد پادشاهی بوهم یا همان جمهوری چک فعلی است که در سال ۱۴۰۲ پس از میلاد، اتفاق می‌افتد. ماجرای کلی از جایی شروع می‌شود که «ونتسل» پسر بزرگ شاه فقید بوهم، باید برای مشروعیت پادشاهی‌اش و تاجگذاری، به روم سفر کند ولی به خاطر قرض زیاد، از نظر مالی توان این سفر را ندارد و به خاطر همین هم، از یکی از اشراف زادگان قدرتمند کشورش به نام «روزنبرگ» که با برادرزاده شاه فرانسه ازدواج کرده، کمک می‌خواهد. روزنبرگ از کمک مالی سر باز می‌زند و در این میان ونتسل دستور می‌دهد برای تحت فشار قرار دادن روزنبرگ، همسرش کاترین را گروگان بگیرند. از طرف دیگر برادر پادشاه «زیگیسمونت» با روزنبرگ همدست شده تا به هر قیمتی پادشاه بعدی باشد....

داستان از طرف دیگر روایت زندگی یکی از سردارانِ مشهورِ آزادی خواه بوهم، به نام «یان ژیژکا» را بیان می‌کند که چطور برای گروگان گرفتن کاترین اقدام می‌کند و در نهایت به ارتش هوسی‌ها (پیروان کشیش اصلاح‌طلب «یان هوس»علیه پادشاهان و پاپ که معمولا همدست همان پادشاهان، علیه مردم فرودست بودند، می‌پیوندد. ژیژکا از سپهسالاران بوهم و نجیب زاده فقیری بود که پس از کشته شدن یان هوس، فرمانده پیروان جنبش دینی مسیحی هوسی‌ها شد.

رهبر مبارزه با کاتولیک‌ها

در فیلم «قرون وسطایی»، سازنده سعی کرده تا یان ژیژکا را به عنوان مردی که ضد دین قیام کرد و شخصیت مذهبی نداشت، به تصویر بکشد. در فیلم این شخصیت بر خلاف دیگر همرزمانش به جای صلیب، دندان گراز به گردن آویخته و اعتقادات خرافی کفرآمیز دارد... البته که این نگاه منفی سازنده به دین و مذهب، طبق گذشته و تاریخ کشورش شاید برای حال، منطقی به نظر برسد اما نشان دادن بی‌دینی و نبود انگیزه‌های مذهبی، آن هم برای یک جنگجوی دوران قرون وسطی، کاملا غیر منطقی و بی‌معنی است، چرا که در آن دوران، مردم اروپا به معنای واقعی کلمه به یک سری تفکرات مذهبی احترام می‌گذاشتند و حتی رهبری هوسی‌ها هم، با یک کشیش معتقد آغاز شد که معتقد بود نباید بیشتر از این زیر بار ظلمی بروند که به آنها تحمیل می‌شود و اصلا به خاطر همین مطلب، از جنبش هوسی‌ها در تاریخ، به عنوان جنبشی مذهبی مسیحی یاد می‌شود.

در حال حاضر جمهوری چک، رتبه سوم بی‌دین‌ترین و ندائم گراترین مردم را در جهان دارد. در سرشماری سال ۲۰۱۱ میلادی، ۴۵,۲ درصد پاسخی به پرسش در مورد دین خود ندادند و ۳۴,۲ درصد نیز گفتند که بی‌دین هستند. شاید گذشته پر فراز و نشیب این مردم و مبارزات تاریخی آنها در شکل گیری این دیدگاه به دین، در آنها تاثیرات بسیار زیادی داشته است اما واقعیت این است که در گذشته‌های دور، مردم این کشور هم به اعتقادات مذهبی پایبند بودند و حتی برای مبارزه با ظلم هم، دنباله رو رهبری مذهبی بودند.

تاریخ قرون وسطی

فیلم قرون وسطایی، بر پایه دلاوری‌های یان ژیژکا و همرزمانش ساخته شده است و ژیژکا، مهم‌ترین شخصیت این داستان است. در دنیای واقعی یان ژیژکا سال ۱۳۶۰ بعد از میلاد، در جنوب بوهم به دنیا آمد و وقتی که ۱۰ سال داشت، یک چشم خود را از دست داد. این مطلب اما در فیلم طور دیگری به تصویر کشیده می‌شود و سازنده بعد از مبارزه ژیژکا علیه سربازان کاتولیک او را کور می‌کند و تا به نوعی، این از دست دادن چشم، برای مخاطبین کنایه از داستان شیطان و کور شدن چشم چپش باشد که به وفور در ساخته‌های غربی از آن در کنار دیگر نمادهای کفرآمیز، یاد شده است. در ادامه باید گفت ژیژکا در جوانی، به عبادتکده‌ای که کشیش یان هوس، درآنجا وعظ می‌کرد می‌رفت و وعظ یان هوس را دوست داشت و کم کم به جنبش و ارتش او پیوست و پس از شهادت کشیش یان هوس، فرماندهی این ارتش را به عهده گرفت. در آن زمان مردم فقیر بوهم چنان از ظلم پادشاهان و پاپ خسته شده بودند که از سراسر کشور پادشاهی چک، به شهر «تابور» می‌آمدند و تمام دارایی‌شان را به «بسیج دینی» می‌بخشیدند و به قول خودشان جزو سربازان مقدس می شدند. این اموال جمع شده عادلانه بین همه تقسیم می‌شد تا علیه سربازان کاتولیک و ظلم پادشاه و پاپ بجنگند.

در نهایت در سال ۱۴۲۳ پاپ آغاز جنگ صلیبی علیه هوسی‌ها را اعلان کرد و از سراسر اروپا، جنگجویان صلیبی را جمع کرد، منتها این‌بار صلیبیون نه علیه مسلمانان، که علیه مخالفان استبداد پاپ، دور هم جمع شدند. صلیبیون قصد داشتند به دستور پاپ، پراگ را اشغال کنند اما چندین بار شکست خورند و در نهایت هم یان ژیژکا، هر دو چشم خود را در مبارزه علیه ظلم از دست داد ولی مشهور است که او تا زمانی که می‌جنگید، هرگز شکست نخورد.

خوش ساخت اما کاملا هالیوودی

فیلم «قرون وسطایی»، با وجود اینکه متعلق به جمهوری چک است ولی زبان فیلم به جای چکی، انگلیسی است! سازنده شاید به قول خودش سعی کرده تا با استفاده از زبان انگلیسی و بازیگران معروف انگلیسی، فیلمش را بین‌المللی کند اما این کارها تنها باعث فاصله گرفتن مخاطبین از اثر شده است.

مخصوصا که معمولا انگلیسی‌ها، هرگز قهرمانان غیر هم نژاد خود را به تصویر نکشیده‌اند و اینکه یک انگلیسی نقش یک قهرمان اهل چک را بازی کند، خیلی غیر معمول است و مشخص است که چرا نه مردم چک و نه دیگر مخاطبین، از این اثر استقبال نکرده‌اند و نمرات بسیار پایینی به این فیلم داده‌اند.

البته فیلم به جز زبان و بازیگرانش، هیچ نشان و هویتی از مردم چک را هم در خود ندارد و مخاطبین اگر اسم بوهم را در فیلم نیاورند، اصلا متوجه نمی‌شوند که این فیلم مثلا قرار است شرح زندگی یکی از قهرمان جمهوری چک باشد! البته فیلم قرون وسطایی، با وجود ایرادات بسیارش توانسته، نسخه قابل قبول اما پایین تری از فیلم «گلادیاتور» ساخته «ریدلی اسکات» باشد چرا که در هر دو فیلم، شخصیت‌های اصلی از مردم فرودست بودند که فرماندهی لشکری را علیه ظلم پادشاه بر عهده می‌گیرند و در راه این مبارزه، خانواده خود را از دست می‌دهند... البته باید اضافه کرد که کارگردان قرون وسطایی، در انتها آن هم به خاطر واقعیت‌های تاریخی، نتوانست قهرمان فیلمش را مانند قهرمان فیلم گلادیاتور بکشد و در راه آزادی قربانی کند تا مخاطبین را بیشتر جذب اثرش کند ولی در حد واندازه خودش توانست فیلمی شبیه به آثار هالیوودی بسازد که البته در جذب مخاطبین، بر خلاف نسخه‌های هالیوودی‌اش، بسیار ضعیف عمل کرد.

تکنیک خفاش چیست و چگونه عمل می‌کند؟

ژانر خشم رسانه‌ای قالب محبوب آمریکایی‌ها

«رژه شوالیه‌های رسانه‌های بیگانه در کوچه بن‌بست» عنوان صد و سی و چهارمین قسمت برنامه زنده «امواج شبهه» شبکه رادیویی گفت‌وگو است که با حضور دکتر علی محمد اسماعیلی (کارشناس مسائل سیاسی و رسانه)، دکتر وحید آقامحسنی (پژوهشگر رسانه) و دکتر علیرضا داودی (کارشناس ارشد رسانه و علوم‌شناختی) پخش شد.

جذب مخاطب به سبک خشم رسانه‌ای

وحید آقامحسنی، گفت: از سال ۲۰۲۰ به این سمت تقابلی بین محور شرق و غرب شکل گرفت، تقابل شرق و غرب و این القا که گویی ایران هم تمایل به سمت شرق دارد و وارد جنگ سرد شده است صورت گرفت و بحث انرژی و ارسال انرژی به اروپا که نیز مطرح شد در اصل این سیگنال را هم می‌دهد که برلین تهدید زمستان سرد اروپا را حس کرده است. تا قبل از این وقایع اخیر به‌ظاهر برای وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش برجام و بازگشت به برجام بود؛ ولی کمتر کسی است که هدف واقعی غرب در رژیم براندازی از این اهرم‌های فشار را نداند. در این زمینه رسانه‌های خارجی هم وارد حمایت از این سیاست شدند، یکی از ابعاد این تلاش‌ها هم قالب رسانه‌ای محبوب آمریکایی‌ها است که ژانر خشم رسانه‌ای را پیش می‌برند؛ یعنی تلاش می‌کنند تا احساسات ضد جمهوری اسلامی را به هر طریق ممکنی برانگیخته کنند این کار را با فراهم‌کردن فضایی از احساس تعلق ساخته شده پیش می‌برند تا از طریق رسانه مخاطب را تحت‌تأثیر و احساسات او را درگیر کنند.

این پژوهشگر رسانه ضمن تبیین خشم رسانه‌ای، عنوان کرد: خشم رسانه‌ای به هر نوع رسانه و روایتی می‌گویند که با استفاده از خشم برای برانگیختن واکنش‌های احساس شدید در مخاطب عمل کند این رسانه‌ها در تلاش هستند تا سخت خبر را با موارد احساسی نرم ترکیب کنند، این سبک خبری مدت‌ها است که در جذب مخاطب موفق بوده است. در این سبک خبری واقعه‌ای را پایه قرار می‌دهند و با ترکیب موارد مختلف آن را می‌پرورانند و می‌خواهند این خبر سخت را با موضوعات نرم ترکیب و احساس مخاطب را برانگیخته و مخاطب را به میدان بیاورند. هدف اصلی این رسانه‌ها براندازی است و بر کسی پوشیده نیست که به دنبال حمایت از ایرانی‌هایی که به دنبال تغییر و جلوگیری از نفوذ بین‌المللی ایران و ایجاد اتحاد بین‌المللی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی هستند. به همین دلیل افراد را در اروپا در یک نقطه بدون اهمیت تعداد جمع می‌کنند تا فقط این پیام را بدهند که اجماعی علیه جمهوری اسلامی شکل گرفته است این اقدامات می‌تواند شامل بردن پرونده هسته‌ای ایران از طریق اسنپ بک و مکانیسم ماشه یا شورای امنیت و یا اقداماتی نظیر آنها باشد.

علی محمد اسماعیلی، نیز با بیان این که اتفاقی را که اخیراً شاهد بودیم به این خاطر که اصل و اساسش بر مبنای یک دروغ شکل‌گرفته لازم است مراجع قضایی ورود کنند و به این موضوع بپردازند، گفت: همه افرادی که پرونده پزشکی مرحومه مهسا امینی را کتمان کردند و اجازه ندادند این پرونده در اختیار عموم مردم قرار بگیرد باید جوابگو باشند؛ ولی چون مشخص شد که این خانم سابقه بیماری طولانی داشته است، معتقدم تمام تلاش‌هایی از این دست به‌نوعی کف روی آب است و جوابگو نخواهد بود. آن چیزی که در حال حاضر بیشتر باید به آن پرداخته شود این است که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ازاین‌قبیل تجمعات دارد آسیب می‌بیند ما باید به این سمت برویم که مسمومیت فکری حاصل از این اتفاقات را جبران کنیم. اساس همه فعالیت‌های رسانه‌ای باید این باشد که به سمت آسیب‌شناسی، پیشگیری و ایجاد ایمنی برای اتفاقات بعدی کنیم چرا که این اولین و آخرین اتفاق نخواهد بود غرب تمام انرژی خود را معطوف به رسانه و تخریب باورهای مردم نسبت به‌نظام و کارآمدی نظام کرده است.

ایجاد پژواک رسانه‌ای برای پیداکردن نمونه در میدان

علیرضا داودی هم گفت: اگر در جمهوری اسلامی ایران صدها پرچم بالا رود اهمیتی ندارد چرا که مردم در ایران در این فضا قرار نمی‌گیرند، به همین دلیل از نمایندگی استفاده می‌کنند؛ در اروپا پرچم را به دست دو ایرانی به‌عنوان نماینده ایران می‌دهند؛ یعنی پرچم را در اروپا به کمک صدای پژواک بالا می‌برند. از تکنیکی تحت عنوان «خفاش» استفاده می‌کنند؛ خفاش هیچ زمانی به

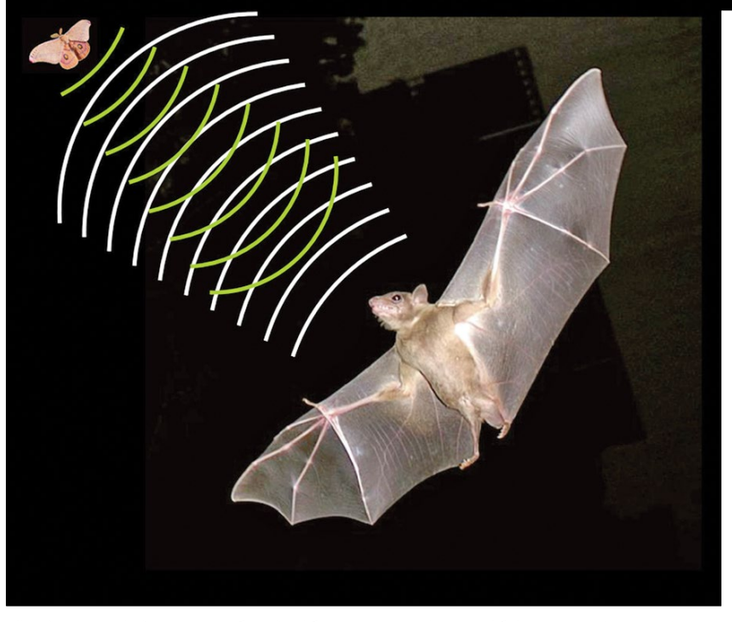

در و تخته نمی‌خورد؛ چون فرکانس صدایش به حدی بلند است که پژواک بر می‌گردد. به همین دلیل در شب حرکت می‌کند، قدرت دید ندارد؛ اما قدرت پژواک دارد. اگرچه قدرت دید نسبت به اوضاع در ایران را ندارند؛ اما قدرت پژواک دارند، بنابراین خارج از ایران به هرکدام از این گروه‌ها نمایندگی می‌دهند. پاشنه آشیل تمام این‌ها آنجایی است که اگر فضایی که در خارج از ایران به تصویر کشیده‌اند قابلیت تسری داشت، معطل نمی‌کردند، کاری که این‌ها انجام می‌دهند بیش از آن که عمل میدانی داشته باشد، ایجاد پژواک رسانه‌ای برای پیداکردن نمونه در میدان است و دارد پیام خط ارتباط می‌دهد، اگر در نقطه‌ای از ایران یک نفر هم فکر با آن نمایندگی است ما پرچم شما را به نمایندگی بالا بردیم.

وی در ادامه با بیان این که ما چهار پدیده در سال‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ را در ایران داشتیم که آخرینش هم ۱۴۰۱ بود، با انسان رسانه سروکار داریم که سنش در ایران به زیر ۵ سال رسیده است، گفت: در ایران رسانه‌های متکثر داریم اما خرد در مدیریت بحران را نداریم، اشراف بر محتوا و تسلط بر وسیله از اهمیت بسزایی برخوردار است تا بتوانید بگویید با کاربری طرف هستم که می‌تواند درک کند توان برآورده کردن نیازهایش را دارم. در حال حاضر با بحران خرد در مدیریت بحران در رسانه طرف هستیم، رسانه اگر نتواند میدان را به‌درستی میدان‌داری کند انسان رسانه این‌جا فعال خواهد شد. در بحران ۱۴۰۱ به رغم این که موضوع از اهمیت نفوذ کمتری برخوردار بود؛ اما عمق ضربه وارد شده بیش‌تر بود، بی‌بی‌سی به این رسید که اشراف و تسلط با حذف خرد دچار اختلال شده است حالا میدان بی‌رقیب است و یک هفته بدون وقفه و بدون رقیب فعالیت کردند.

اسماعیلی نیز با اشاره به این که ما چاره‌ای به‌غیر از افزایش سطح سواد رسانه‌ای در عامه مردم نداریم، افزود: مردم باید خودشان بتوانند غلط از درست را تشخیص دهند و به سطحی از سواد رسانه‌ای برسند که بین دو تصویر توانایی تشخیص حقیقت از دروغ را داشته باشند. در اتفاقات برلین صداوسیما باید کارشناسی را می‌آورد تا تصویر منتشر شده را آنالیز کند ما باید سعی کنیم تا به این سمت برویم. دشمن برای این که بتواند مردم ما را تحت‌تأثیر قرار دهد تمام تلاش خود را می‌کند در یک ماه گذشته از هر امکانی که داشتند استفاده کردند تا بتوانند مردم را تحت‌تأثیر قرار دهند؛ اما در ایران ما به این سمت نرفتیم و هیچ تلاشی نکردیم مردم ما تشنه واقعیت هستند. ما اگر به سراغ منظومه فکری رهبری برویم پاسخ سؤالات بسیاری را دریافت خواهیم کرد، رهبری سال‌های گذشته به مسئولین تأکید کردند به دانشگاه‌ها بروید و سلسله جلسات پرسش‌وپاسخ با دانشجویان داشته باشید. زمانی که ما نرفتیم در دانشگاه‌ها و از هر فرصتی برای سخنرانی استفاده کردیم و فضا را برای دانشجویان فراهم نکردیم در نتیجه صدای خود را به شیوه دیگری به گوش می‌رسانند این خلأ در گفت‌وگو با دانشجویان مشهود است.

آقامحسنی در ادامه گفت: دوقطبی‌سازی در زمین بازی ژانر خشم رسانه‌ای صورت می‌گیرد، این ژانر در سیستم دوحزبی در آمریکا شکل‌گرفته است که در حال حاضر وارد بافت پیچیده سیاسی ایران می‌کنند، بافت پیچیده سیاسی ایران خیلی این مدل‌ها را نمی‌تواند در بر بگیرد. این رسانه‌ها با استفاده از تاکتیک‌هایی مانند حذف حقایق در تلاش برای حمله به جمهوری اسلامی هستند. اگرچه ما در جنگ گفت‌وگویی هستیم؛ اما باید زمین جنگ را نیز تبیین کنیم و با مردم خودمان از در دوستی و صلح عمل کنیم و مسئولان نیز خواسته‌های به حق مردم را بشنوند و شرایط را مرتفع کنند.